ماهنامهٔ
مردم
ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

نویسندگان مردم بخانواده های مصیبت دیدهٔ سی و پنج تن معدنچیان دامغان که در نتیجهٔ شرایط رقت بار کار از میان رفتند صمیمانه تسلیت می گویند.

باز هم در بارهٔ دمکراسی

برخی اعترافات سخنگویان رژیم

در آستانهٔ «انتخابات» انجمن‌های شهرستانها و استانها، برخی سخنگویان رژیم که معمولا وضع را از هر باره می آرایند و میخواهند چنین جلوه گر سازند که گویا رژیم مورد تأیید قاطبهٔ مردم است ناچار به اعترافاتی شده‌اند که علی‌رغم آنها گوشه‌ای از واقعیت کشور را برملا میسازد.

روزنامه «ایران نوین» ارگان حزب دولتی تحت عنوان «مبارزه با بی علاقگی و بی تفاوتی مردم» از قول دبیر کل حزب کلالی نوشت که در برابر «حزب پاسدار انقلاب» یك جبهه متشکل وجود ندارد ولی جبهه‌ای که وجود دارد «بی اعتقادی و بی اعتنائی مردم است ... متأسفانه این جبهه بواسطه

دنباله در صفحه ۲

موج جدید تسلیحات

و تشدید سیاست نظامیگری رژیم

اخیراً دولت ایران بدنبال اقدامات قبلی خود درجهت نظامیگری وخرید تسلیحات باز هم گامهای تازه‌ای در همین جهت برداشته است.

شاه ایران در نطق خود بهنگام افتتاح تأسیسات جدید بندر نفتی خارك از نقشه های دورودرازی برای بسط قدرت نظامی و تسلیحاتی صحبت کرد و از جمله گفت که گویا وضع دنیا طوری است که وی نه فقط باید در فکر بندر عباس و تنگه هرمز باشد بلکه باید بفکر دریای عمان و کرانه‌های ایرانی آن نیز بیافتد. شاه گفت: «باز هم وقایع دنیا طوری شد که ما را وادار کرد که بیندیشیم که دریای چسبیده به دریای عمان مرز نمیشناسد. منظور اقیانوس هند است ... ما فعلا در راهی قدم برمیداریم که از ذکر آن خودداری میکنیم. فردا خواهیم دید. یکی دو سال دیگر خواهیم دید.»

در اطراف این نیات و قصد شاه که خود او نخواست آنرا در مقابل مردم ایران باز کند، رادیوی لندن در تاریخ ٦ نوامبر اطلاعات مشخص تری داد. این رادیو گفت که: «ایران درسالهای آینده نیروی ضربتی را تقویت خواهد کرد ... در برنامه پنجم مبلغی که برای خرید اسلحه و لوازم دفاعی منظور شده از جمع کلیه مبالغی که درچهار برنامه عمرانی بمصرف رسیده بیشتر است.» رادیو لندن پس از اشاره به لایحه جدیدی که تقدیم مجلس شده و موافق آن اختیار اخذ بین ٦٠٠ - ٧٠٠ میلیون دلار وام بنا به تصریح لایحه تقدیمی «از هر منبعی که دولت مصلحت بداند» بوی احاله گردیده‌است افزود: «گزارشها، هم درداخل، هم درخارج از کشور حاکی است که ایران در صدد خرید یك ناو هواپیمابر میباشد و چندماه قبل هیئتی از وزارت دفاع امریکا برای مذاکره پیرامون خرید وسائل دفاعی، از

دنباله در صفحه ۳

یك قرارداد تاریخی میان دو دولت آلمان

روز ۸ نوامبر، بعد از ماهها مذاکرات مشکل و بغرنج، سرانجام قرار دادی که در آن اصول مناسبات میان جمهوری دموکراتیك آلمان و جمهوری فدرال آلمان تدوین شده است از طرف نمایندگان دو کشور در بن پاراف گردید. این قرار داد متضمن ۱۰ ماده است. علاوه بر آن طرفین ضمن چند بیانیه و صورت مجلس متبادل، مواضع خود را در باره مسائلی که در قرار داد مورد بحث قرار نگرفته اند، ذکر کرده اند.

قرار دادی که روز ۸ نوامبر پاراف گردید، بیشك یکی ازمهمترین قرار دادهائی است که بعد از جنگ دوم جهانی در اروپا منعقد شده است. بعد از قرار دادی که چند ماه پیش برای تنظیم عبور و مرور میان دو کشور آلمان امضا شد اکنون اصول مناسبات این دو کشور در قرار داد اخیر تدوین شده است. محتوی اصلی این قرار داد چیست؟ نکته اصلی و مرکزی مندرج در این قرارداد آنست که جمهوری فدرال آلمان، بعد از بیش از بیست سال که موجودیت جمهوری دموکراتیك آلمان را انکار میکرد و خود را نماینده منحصر ملت آلمان میشمرد، دراین قرار داد رسماً موجودیت، استقلال، حاکمیت و تمامیت ارضی جمهوری دموکراتیك آلمان را برسمیت شناخته و متعهد شده است که روابط آتی خود را با این کشور بر اصول بالا استوار سازد. در مادهٔ دوم قرارداد گفته میشود: «جمهوری دموکراتیك آلمان و جمهوری فدرال آلمان از هدفها و اصولی تبعیت خواهند کرد که در منشور ملل متحد در باره تساوی حاکمیت تمام کشورها، احترام به استقلال، حاکمیت و تمامیت ارضی، حق خود مختاری، تضمین حقوق بشر و عدم مداخله ذکر شده است.»

در ماده چهارم قرار داد، جمهوری فدرال رسماً از دعوی خود مبنی برنمایندگی تمام ملت آلمان صرفنظر کرده است. دراین ماده گفته میشود: «جمهوری دموکراتیك آلمان و جمهوری فدرال آلمان این واقعیت را مبنای عمل خود قرار میدهند که هیچیك از دو کشور نمیتواند ازنظر بین المللی نمایندهٔ دیگری باشد یا بنام آن عمل کند.» این

دنباله در صفحه ٤

بمناسبت پنجاهمین سالگرد تأسیس اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی

در جامعهٔ شوروی که بهره کشی انسان از انسان وخلقی از خلق دیگر در آن ریشه‌کن گردیده‌است قدرومنزلت هرفرد زحمتکش را وفاداریش به آرمانهای کمونیستی، کمیت وکیفیت کار وخصائل اخلاقیش معین میکند، ملیت ونژاد در این امر تأثیری ندارد. افراد وابسته به خلقها و ملتهای مختلف در شهر و روستا برادرانه در راه ساختمان پایه‌های مادی و فنی کمونیسم کار میکنند. وحدت مردم شوروی مبتنی بر وارستگی از قید استثمار و تبعیضات ملی ونژادی مهمترین عامل پیشرفتهای شگرف اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جامعهٔ شوروی وپایهٔ قدرت روز افزون کشور شوراهاست. در سال جاری که دومین سال نقشه پنجسالهٔ نهم است میزان تولید برق به ۸۵۰ میلیارد کیلووات ساعت، نفت به ۴۲۰ میلیون تن وفولاد به ۱۲۵ میلیون تن میرسد. متناسب با این ارقام میلیونها تن فرآورده‌های گوناگون شیمیائی ومیلیونها دستگاه ماشین آلات تولید میگردد. برکت کامیابیهای اقتصادی و رشد مستمر نیروهای مولده، برنامهٔ وسیع بهبود زندگی مردم طبق پیش بینیهای کنگرهٔ بیست وچهارم تحقق میپذیرد. تنها در سال ۱۹۷۲ مبلغ دستمزدها و حقوق کارگران وکارمندان شوروی ۹ میلیارد روبل و اعتبار هزینه‌های مصرف اجتماعی ٤٫٤ میلیارد روبل افزایش یافته است. برنامه خانه‌سازی پیگیرانه اجراء میشود. در سال جاری ۱۱ میلیون نفر از مردم شوروی به خانه‌های نوساز منتقل خواهند شد. طی ۲۲ ماه گذشته برای تهیه کالاهای مصرفی مورد نیاز مردم، ۲۷۰ کارخانهٔ جدید بکار افتاده وقدرت تولید ٤۰۰ کارخانه افزایش یافته است و اینك بیش از یکهزار کارخانه در دست ساختمان است و نزدیك به سه هزار کارگاه و کارخانه تجدید ساختمان میشود.

درپیشرفت تکنیك، رشد اقتصادو فرهنگ کشور دانشمندان شوروی سهم شایانی دارند. پیوند دانش و تولید همواره گسترش می‌یابد و پروسهٔ کاربرد نتایج پژوهشهای علمی دراقتصاد ملی تسریع میگردد. دانش شوروی دربسیاری از مهمترین رشته های علوم نقش پیشاهنگ ایفاء میکند: در سالهای اخیر کشفیات بزرگی در رشتهٔ فیزیك هسته‌ای انجام گرفته، انواع نوین «لازر» ایجاد گردیده است. دانشمندان شیمی در تهیه پلیمرها به نتایج درخشانی رسیده‌اند، در رشته های زیست شناسی و «زمین» شناسی نیز کامیابیها چشمگیر است.

دستاورد های دانش شوروی در بررسی کیهان بویژه جالب توجه است. بکمك تکنیك کیهانی شوروی علاوه بر بررسی مناطق دور افتاده وسیارات منظومهٔ شمسی، مسائل پغرنج مربوطبه ارتباطات تلفونی، تلگرافی وتلویزونی، کشف منابع طبیعی و مسائل علمی دیگری

دنباله در صفحه ۳

دنباله از صفحه ۱

باز هم در باره دمکراسی

ریشه هائی که در قرنها پیدا کرده خیلی هم قوی است . » (ایران نوین - ۱۶ مهرماه ۱۳۵۱)همین روزنامه درستون مسائل روز ، طی مقالهٔ مفصلی پس از بحث در بارهٔ آنچه که‌وی آنرا «دمکراسی‌اپتیموم» میخواند وآنرا برای ایران شایسته میداند ، رشته کلام را به گله گذاری از روشنفکران میکشاندومینویسد که‌این روشنفکران‌میگویند: «تا پریشان نشود کار بسامان نرسد . . . اینگونه روشنفکران که در گوشه و کنار، گاه بیرون از مرزهای سرزمین ، افکار نظم ناپذیرفته خود را ، در زیر نقاب فریبای ناسیونالیسم و گاه انترناسیونالیسم پوشانده‌اند، برای درهم شکستن حکومت مبارزه منفی را پیشنهاد میکنند . بزعم آنها در انتخابات عمومی نباید شرکت کرد وحکومت را بحال خود گذاشت، تادور از افکارعمومی به‌بیماری فساد وتباهی کشیده شود . » نکته جالب در این اظهارات اعتراف به وجود جبههٔ «خیلی قوی » بی اعتقادی وبی اعتمادی‌مردم است ، اعتراف به آنست که بخشی از روشنفکران «برای درهم شکستن‌حکومت» اشکال مختلف مبارزه را پیشنهاد میکنند . این اظهارات آشکارا ناقض آن تبلیغات‌رسمی دولتی است که میخواهد جلوه‌گر کند که گویا مثلا در انتخابات انجمنها تودهٔ انبوهی‌از مردم به طیب‌خاطرشرکت جسته‌اند و سیاست دولتی را تأیید کرده‌اند .

امااینکه‌ریشهٔ‌این « بی‌اعتقادی وبی‌تفاوتی » که یك جبههٔ غیر متشکل «خیلی قوی» ایجاد کرده است در کجاست،آقای کلالی‌بی‌لطفی میفرمایند که‌آنرا دارای ریشهٔ دیرینه درقرون گذشته میشمرند. واقعیات مستندتاریخ معاصر کشور ما ، از انقلاب مشروطیت تا امروز ، حاکی از شرکت بسیار فعال و فوق العاده پرشور توده‌های انبوه شهر و ده ، پایتخت وشهرستان در امور سیاسی و اجتماعی بوده است. در این‌موارد مأمورین‌ساواك ودستور- های بخشنامه‌وار حزب دولتی عمل نمیکرده، بلکه مردم با طیب خاطر و داوطلبانه در فعالیتهای‌سیاسی گاه بحد مرگبارخطرناك شرکت می‌جسته‌اند .

لذا سخن‌از « بی‌تفاوتی وبی‌اعتقادی» که گویا ریشهٔ آن در قرون گذشته است یعنی گویا ناشی از «رخوت و عقب ماندگی شرقی» است (!) تکراراهانتهای استعماری وسخنی است سراپا پوچ . ولی فاکت وجود بی اعتقادی وبی‌تفاوتی که کلالی ونویسندگان ایران نوین بدان اعتراف میکنند حقیقت دارد وعلت آنهم عدم اعتماد توده‌های وسیع مردم به سیاست‌حکومت‌است. خطوط اساسی این سیاست یعنی آنتی دمکراتیسم، همکاری همه جانبه اقتصادی، نظامی‌با محافل انحصاری امپریالیستی بسود غارتگری و سیطرهٔ این محافل ، بسط روز افزون میدان بهره کشی برای سرمایه‌داری داخلی، شهر وده، علی‌رغم برخی جهات و نکات مترقی که در زیر فشار نیرومند وضع جهان‌و ایران و در این سیاست پدید شده ، نمی‌تواند اعتماد انگیز باشد ، نمیتواند مردم را بشور آورد . مردم ایران نه در اثر فقدان رشد و آگاهی سیاسی که سخنگویان رژیم سعی دارند چپ و راست بدان اتکاء کنند ، بلکه اتفاقاً در اثر نهایت رشد وآگاهی سیاسی خود ، با وجود دامنهٔ عظیم تبلیغات سفسطه آمیز رژیم بسود خود، میتوانند عمده و غیر عمده را تشخیص دهند، ماهیت را از وراء پدیده‌ببیند و فریب دستگاه نخورند .

مردم ایران به دمکراسی جعلی رژیم باور ندارند . درواقع رژیم ایران که باوجود داشتن روش استبدادی و پلیسی جرأت ندارد آشکارا بدان اعتراف کند ، سخت دم از دمکراسی میزند ولی این دمکراسی رامورد آنچنان تعبیرات دور ودرازی قرار میدهد که آنرا بکلی از محتوی خود تهی و از محتوی ضد آن پر میسازد . بعنوان نمونه خوبست در این زمینه به برخی گفتارهای اخیر رادیو تهران مراجعه کنیم .

تعبیرات خودسرانه « رادیو تهران»

«رادیو تهران » طی آذر ماه گذشته یك سلسله گفتار در بارهٔ دمکراسی پخش کرد. علت این توجه استثنائی به بحث دربارهٔ دمکراسی ، صرف نظر از مسئله انتخابات انجمنها ، همان است که موجب اظهار نظر کلالی ونویسندگان «ایران‌نوین» شده و ما از آن در فوق یاد کردیم یعنی کوشش‌برای فائق آمدن بر بی اعتنائی مردم، به قصدفریب آنها ، کوششی که مسلماً بی ثمر است .

«رادیو تهران» در گفتارها ، چنانکه شیوهٔ سخنگویان رژیم است ، به تعبیرات خودسرانه و من در آوردی از دمکراسی دست زد وبا لغت بازی و اصطلاح تراشی ، بمنظور بالا بردن درجهٔ « علمیت » سخنان پوچ خود ، از دمکراسی در کشورهای «روبرشد» یا «رو به پیشرفت » که گویا با دمکراسی کشورهای‌رشد یافته تفاوت‌دارد سخن بمیان‌آورد. این‌رادیو گفت :«استقرار دمکراسی سازنده در یك جامعهٔ رو به‌پیشرفت کار دشواری است زیرا مستقیماً با اعتلاء فرهنگی اعضاءآن و هوشیاری سیاسی مردم پیوند دارد . از یکسو نیروهای فرصت طلب، فرهنگ عقب مانده، عدم‌درك درست‌ازاصول دمکراسی‌وازسوی دیگرتوطئه‌های استعماری برای بهره برداری از روابط دمکراتیك اجتماعی ، موانع اصلی محسوب میشود . منافع یك کشور را هرگز نمیتوان با استقرار گونه‌ای روابط دمکراتیك داخلی و فرصت دادن باشخاص فرصت طلب که به منافع ملی وفادار نیستند بخطر انداخت زیرا اینگونه روابط دمکراتیك مستقیماًدر اختیار استعمار- گران‌قرار میگیرد .» اگرحجاب « ساواکی » این عبارات را پاره کنیم ، لب مطلب این است که فقط آن دمکراسی برای رژیم ایران خوب است که دیکتاتوری او رابخطر نیاندازد و الا آن دمکراسی که « باشخاص فرصت طلب که به منافع ملی وفادارنیستند» (بخوان : به نیروهای ملی ودمکراتیك جامعه) فرصت بدهد ، یعنی آن دمکراسی که یك ایوزیسیون واقعی را مجاز کند برای رژیم قابل قبول نیست . قید وشرط های دیگری‌نیز مطرح میگردد . رادیوی تهران در گفتار دیگری میگوید : «در کشورهای رو برشد قبل از هرچیز منش دمکراتیك (؟) می‌باید عمومیت یابد وزمینه‌های مادی و معنوی برای روش دمکراتیك‌پدید آید . در غیر اینصورت دمکراسی بدل به هرج ومرج اجتماعی‌میشود وهرج ومرج‌وسیله‌ایست برای تهاجم نیروهای استعماری. انقلاب ایران با همین نگرش اساسی به مسئله‌دمکراسی اجتماعی‌میگرد.» خلاصه کلام‌آنکه «نگرش» رژیم بدمکراسی آنستکه‌اول باید «منش »دمکراسی پدیدآید تا بعد «روش دمکراسی » مجاز شود . تازه آنچنان‌دمکراسی که‌چنانکه گفته‌شد«باشخاص فرصت طلب که به منافع‌ملی وفادار نیستند» فرصت عمل ندهد !

برای‌تدارك «منش »دمکراسی‌رادیوی تهران وعده میدهد که «خانه های انصاف» «شوراهای داوری» ، «انجمنهای» ساواك فرموده ، «خانه های فرهنگ روستائی» و امثال آن بهترین وسایل است و این« نهاد» هاست که راه رشد معنوی و مادی وآمادگی فکری و روحی را تأمین میکند ، برای آنکه «دمکراسی نوین» یا «دمکراسی ایتمال» رژیم راه را بر «هرگونه هرج ومرج خیابانی که مانعی برای رشد دمکراسی بشمار میآید» سد کند . چنین است اظهارات گستاخانهٔ رادیوی تهران در بارهٔ دمکراسی .

ما بار ها گفته ایم و اینك نیز تکرار میکنیم :

۱ ـ دمکراسی در نظر ما احتیاج به تفسیرات «تئوریك» سخنگویان ساواك‌ندارد. معنای این دمکراسی موافق‌قانون اساسی ایران و اعلامیهٔ حقوق بشر که برای ایران یك سند متعهد کنندهٔ رسمی است روشن است . این اسناد از ضرورت گذراندن‌دوران ویژهٔ آماده کردن «منش دمکراسی» از طریق «نهاد های» ساخته ساواك صحبت نکرده اند . در این اسناد صریحاً از آزادیها و حقوق دمکراتیك بمعنای روشن این کلمات صحبت شده است . در این اسناد آزادی و حقوق دمکراتیك با قیود و شرایط سیاسی و اجتماعی مقید نشده است وباحدی اجازه داده نشده است که نقش قاضی کل تاریخ را بازی کند و مخالفان خود را «فرصت طلبان ضد ملی» وطرفداران «هرج ومرج‌خیابانی» بخواند ، زیرا اگر این عناوین صحت داشته باشد ، اولین مصداق واقعی آن سردمداران رژیم موجودند .

۲ ـ صحبت از رشد و نضج و ایجاد منش دمکراتیك در مورد مردم ایران که بانی نخستین انقلاب آسیا درآغاز قرن‌حاضرند اهانتی است عظیم باین مردم . مردم ایران مثلا کمتر از مردم هندوستان سن‌دمکراتیك ندارند و باندازهٔ آنها برای درك مقتضیات سیاسی و اجتماعی رشیدند و احتیاجی بمعلمان ظریف «منش دمکراسی » در وجود مستبدان و شکنجه گران ندارند . این واقعاً خنده‌آور است که قلدرهای خون آشام تاریخ به‌آموز گاران «منش دمکراتیك» بدل شده اند ! این‌واقعاًمضحك‌است که سخنگویان ساواك از «فرهنگ عقب مانده» و «فقدان هشیاری سیاسی‌مردم» ایران سخن میگویند وحاملان تمدن برای یکی از کهن ترین مردم تاریخ انسانیت شده اند .

دمکراسی — خواست مبرم روز

مسئله دمکراسی که یکی از شعارهای اساسی‌مبرم دربرنامهٔ‌حزب‌ماست‌بیش‌ازپیش به خواست مبرم مردم ایران بدل میشود . خود این واکنشهای دست پاچهٔ رژیم و تئوری بافهای رسوا نیز حاکی از همین مطلب‌است. علت آنست که فشار استبداد و رژیم پلیسی که بر انگیزندهٔ عدم رضایت عمومی است همراه افشاگری نیرو های مترقی و مبارزه مردم ، همراه با انتقاد شدید از آنتی‌دمکرا- تیسم رژیم در محافل مختلف جهانی بیش از پیش مسئله را حاد کرده است . باین عوامل باید یك عامل مهم عینی را نیز افزود و آن تضادی‌است که بین‌شیوه‌ادارهٔ‌مستبدانه وپلیسی از یکسو و رشد نیرومند طبقات دمکراتیك جامعه که باسرعت‌انجام میگیردپدید شده است.

رژیم در حفظ استبداد تعصب خاصی دارد. حتی سیستم باصطلاح دو حزبی تصویب شده شاه نیز در داخل این تعصب تاب‌مقاومت ندارد . حتی بیانات طبق دستور علی نقی کنی لیدر معزول حزب دولتی «مردم» واظهارات «رهبری شده» از بالای اقلیت در مجلس ، ازطرف رژیم تحمل نمیشود. حتی‌نویسندگان رسمی مطبوعات که مطالب خود را به مسائل درجه‌سوم‌وچهارم‌محدود کرده‌اند، میدان‌عرض وجود ندارند . تحکم ، سانسور ، تحمیل گاه بشیوه های خشن و مستقیم و گاه با شیوه‌های مستور و ظریف و غیرمستقیم (از راه انگیزه های اقتصادی) تنها یك اراده را در دستور روز باقی گذاشته است و آنهم ارادهٔ شاه و محافل مورد اعتماد اوست . این وضعی نیست که بلبل زبانهای سخنگویان رادیوی ایران بتواند آنرا توجیه کند و بیاراید . غلطیدن و لغو بودن این وضع روشن است . باید با تمام قوا این جهت تاریك قرون وسطائی را در سیاست رژیم افشاء کرد و با مبارزه و با ایجاد فشار نیرومند افکار عمومی در جهان و ایران زمینه را برای پیشرفت آتی شعار دمکراسی هموار تر و آماده تر ساخت .

مبارزه در راه‌دمکراسی میتواند بصور و اشکال مختلف درآید . در این مبارزه باید از جمله ازهمه وسایل‌علنی وقانونی و از کلیه سازمانهای اجتماعی و انتخابی موجود هر قدر هم که تحت کنترل رژیم باشد ، استفاده کرد و کوشید تا گام بگام ، ولو در موارد جزئی به موفقیت هائی نائل شد .

ا . سپهر

با این آدرس با رادیو بیك ایران ، ماهنامه مردم ، مجله دنیا و مجله مسائل بین - المللی مکاتبه کنید :

P. B. 49034
10028 Stockholm 49
Sweden

دنباله از صفحه ۱

موج جدید تسلیحات و تشدید سیاست نظامیگری رژیم

ایران بازدید نمود . گفته شد این مذاکرات پیرامون خرید هواپیمای جت « ف . ۱۴ » و« ف. ۱۵ » بود « که‌برای کارهای دریائی ساخته شده» . رادیوی‌لندن افزود: « بنابگفته دیروز شاه ایران توسعه نیروی دریائی شامل افزایش ۳۰ فروند کشتی است که در حال حاضر موجود است . نیروی دریائی ایران در حال حاضر چند ناوشکن ساخت انگلستان در اختیار دارد و در نظر دارد طی سال آینده تعداد بیشتری از بریتانیا و امریکا خریداری‌نماید . در ضمن‌طی چند ماه گذشته احداث ۱۲ فرودگاه نظامی برای جزائر خلیج فارس در نظر گرفته شده و یکی از دو اسکادرون‌جت نیز درهمین نواحی ساحلی در خلیج فارس مستقر میباشد . گزارشاتی حاکی است که تعداد اسکادرون‌های هوائی درایران ممکن است تا چهار افزایش‌یابد .» اطلاعات رادیوی لندن در باره تسلیحات ایران کمتر از واقعیت است. تسلیحات‌ایران در مقیاس باز هم وسیعتری انجام میگیرد وآنطور که رادیوی لندن گفته است صرفاً دارای جنبهٔ دفاعی نیست ودارای جنبهٔ‌تعرضی وتجاوزی است . ولی بهر حال اظهارات شاه واطلاعات مشخص رایوی لندن حاکی از تقلای وسیع وتب آلود رژیم برای اجراء خریدهای‌هنگفت اسلحه از امریکاوانگلستان است. علاوه بر ۶۰۰ الی ۷۰۰ میلیون‌دلار وام جدید چندی پیش ۱۰۰ میلیون لیره اسلحه از انگلستان خریداری شده است . مبلغ وام دولت اکنون به بیش از سه میلیارد دلار بالغ است . در یك کلمه هم بخش متنابهی از ارز کشور وهم‌وامی که گرفته میشودمستقیماً بابت‌خرید اسلحه‌به امپریالیستهاتحویل‌میگردد. طبیعی است که باید ربح وامها نیز پرداخت گردد. حتی خوشبینانه ترین محاسبه‌ها نشان میدهد که در سال ۱۳۵۱ هزینه‌های نظامی بیش از نیم در آمد نفتی ما را بلعیده است . این جریان در کشوری است که بیش ازهمه به ارز خود برای حل‌مشکلات دیرینه تکامل اجتماعی وبرای برآوردن اولیه ترین مطالبات حقه مردم احتیاج دارد .

سخنگویان‌رژیم میخواهنداین تبه کاری را با دعاوی دروغین و بدون محتوی توجیه و تبرئه کنند . میخواهند جلوه گر کنند که گویا وضع دنیاطوری‌تغییر کرده که خطری ایران را تهدید میکند وایران باید خود را با عجله وبا فدا کردن منابع ارزی خود و با گرفتن وامهای اسارت بار برای مقابله باآن خطر آماده سازد ؟ سئوال‌میکنیم ، این‌وضع دنیا که تغییر کرده چیست وتغییر کدام‌است؟ این خطر را چه کسی ایجاد کرده است ؟ از چه ناحیه مشخص‌خطری که‌چنین‌تدارکات کمر شکنی را ضرور کرده باشد متوجه ایران است ؟ شاه و هویدا که در نطقهای ماههای اخیر در اطراف چنین خطرات موهومی سخنان آتشین گفتند ، هیچ چیز مشخص وروشنی در این باره بیان نداشتند زیرا هیچ چیزمشخص هم وجود خارجی‌ندارد واگر تغییری در وضع دنیا باشد درست در جهت عکس‌آن چیزی‌است که جلو ممیدهند.

چندی پیش‌شاه در اتحاد شوروی‌اقامت داشت ودر آنجااسناد مشترکی را بارهبران همسایه شمالی ما امضاء کرد . این اسناد همه حاکی از اعتمادی است که ایران به ثمرات دوستی باشوروی درجهت حفظ‌صلح‌واستقلال وترقی کشور ما ابراز داشته است . در این اسناد دولت ایران‌نسبت به‌اندیشه امنیت‌جمعی در آسیا بر خورد مثبت کرده است .شگفت‌آور است که بلا فاصله پس از این مسافرت که به نظر میرسید باید مشی صلح را در سیاست دولت تقویت کند مشی خلاف آن، مشی تسلیحات وتدارکات‌نظامی‌راتقویت میکند و صحبت از این بمیان میآید که گویا خطری حتی اقیانوس هند را تهدید میکند و ایران گویا در این اقیانوس تعهداتی را اجراء نماید . این مهم گوئیها و بازار گرمیها برای توجیه مشی مضر نظامیگری است وعلت آن نیست که میگویند . علل سیاست نظامیگری وخرید اسلحه‌از طرف رژیم‌امور دیگری است که هیئت حاکمه ایران مایل نیست آنها را برملا سازد، زیرا اگر آنهارا بر ملا سازد ، خود را در افکار عمومی بیشتر رسوا کرده و چهره خود را بیش از پیش نشان داده است .

حال به‌بینیم چه عللی هیئت حاکمهٔ ایران را به اتخاذ چنین سیاست مضر و مخالف مصالح ملی ومنافع مردم ایران وادار میکند :

علت اول، تأمین‌منافع غارتگرانه‌امپریالیسم خارجی ومحافل ارتجاعی داخلی است . مسئله اینجاست که کمپلکس نیرومند نظامی- صنعتی ایالات‌متحده امریکا و کنسرنهای تولید اسلحه در کشورهای اروپای‌غربی پیوسته برای تأمین بازار فروش اسلحه خود نهایت تقلا را بکار میبرند . کمپلکس نیرومند نظامی - صنعتی امریکا که حتی رئیس جمهور اسبق امریکا ایزنهاور آنرا تهدیدی برای جهان شمرده است ، برای تأمین این بازار باکی ندارد که اجاقهای جنگی خطرناك مانند ویتنام‌وخاور- میانه را براه اندازد و با تمام قوا از استقرار صلح‌جاو گیری میکند . تجارت اسلحه یکی‌از پر سودترین تجارتهاست وتاریخ خون آلودی دارد . امپریالیستهامایلند اسلحه وبویژه اسلحه ای را که مدل آن‌نسبت به آخرین طرحهای فنی عقب مانده است ولی باندازه کافی آنرا انباشته‌اند جائی آب کنند ودر قبال آن ارز لیره و دلار دریافت دارند . اکنون در اثر تحول مثبت در اوضاع بیش از پیش این سوداگران مرگ با مشکلات رو بروهستند. رژیم ایران بعلت دسترس داشتن به عواید نفت ، بعلت بی پروائی در گرفتن وامهای اسارت بار وبعلت روش همکاری صمیمانه با امپریالیسم مشتری خوب ومناسبی برای‌اسلحه است . این کار نه فقط برای سوداگران بین المللی اسلحه منافع افسانه آمیز دارد ، برای دلالان‌ایرانی هیئت‌حاکمه نیز حق‌العمل چرب چندین میلیونی ایجاد میکند . برای تسهیل همین غارتگری است که سخنگویان رژیم وبر رأس آن‌شاه ایران هرچندی یکبار محیط هیستری نظامی بوجود میآورند ومثلا بآن قبیل نطق آتشینی که شاهدر «دانشکده پدافند ملی » در شهریور گذشته کرد ، متوسل میشوند تا ایران را در معرض یك خطر مهیب که اصلا وجود خارجی ندارد، جلوه گر سازند؛

در کنار این علت ، علت دیگری هم هست که بنوبه خود شایان اهمت است و آن اینستکه‌امپریالیستهابویژه امپریالیستهای‌امریکا وانگلیس میخواهند که ایران نقش محافظ نفت را در خلیج فارس ایفاء نماید . این امر همان سیاست ایجاد «ژاندارم منطقه» است . هدف آنست که ایران در کنار عربستان سعودی بیك نیروی حامی شیوخ و امیران مرتجع در قبال جنبش مترقی منطقهٔ عرب نشین خلیج فارس ، جنبش ظفار و جمهوری دمکراتیك یمن ، بدل گردد و در توطئه ارتجاعی‌علیه خلقهای این منطقه نقش‌ویژه‌ای ایفاء نماید. بعلاوه‌ایران درچارچوب‌استراتژی جهانی و منطقه‌ای نظامی امپریالیستی بعلت پیوندهای خود تعهداتی که بضرر مصالح ملی‌ماست بر گردن گرفته وسیاست‌نظامیگری رژیم را باید از این زاویه نیز مورد توجه قرار داد . مرتجع‌ترین محافل هیئت حاکمه ایران که دارای دعاوی شونیستی و سبطره جویانه است در این هدفها سهم خود رادارد.

بدین ترتیب کوچکترین رابطه‌ای‌مابین سیاست نظامیگری رژیم ومنفعت مردم‌ایران نیست .بلکه برعکس.

سیاست نظامیگری رژیم وخریداسلحه موجب غارت بیدریغ ثروت یك کشوردرحال رشد ، ثروت کشوری است که مردم آن هنوز نتوانسته‌اند احتیاجات اولیه‌حیاتی‌خود را بر طرف کنند. این یك سیاست‌عمیقاًارتجاعی است . از آنجا که هیئت حاکمه با توسل به انواع عوامفریبی ها و با سوء استفاده از احساسات غرور ملی میکوشدماهیت بندوبست غارتگرانه خود را با سوداگران بین المللی اسلحه وبر باد دادن ثروت کشور را پنهان نگاهدارد، وظیفه همه افراد میهن پرست‌است که این نقاب دروغین را پاره کنند ، ماهیت سیاست نظامیگری رژیم را بر ملا سازند ، مضرات آنرانشان‌دهندوافکارعمومی‌نیرومندی برای جلو گیری از این سیاست مضر وخانمان برانداز بوجود آورند .

ادامه سیاست‌نظامیگری رژیم نمیتواند به عواقب منفی منجر نشود . این سیاست در جهت صلح ودوستی خلقها نیست . بلکه در جهت تشنج است . این سیاست بویژه در شرایط امروزی جهان که در آن مشی همزیستی مسالمت آمیز راه خود را به پیش گشوده ودولت ایران نیز خودرا هوادار‌این مشی اعلام میدارد ، وصله ایست ناجور و با هیچ جار وجنجال تبلیغاتی‌وعوامفریبی نمیتوان آنرا توجیه کردوماهیت آنرامخفی‌نگاهداشت. در جهانی که در راه خلع سلاح گامهای

دنباله از صفحه ۱

بمناسبت پنجاهمین سالگرد تأسیس اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی

که برای اقتصاد ملی حائز اهمیت است حل میگردد .

در پیشبرد فرهنگ ودانش شوروی همهٔ جمهوریهاو نمایندگان همهٔ ملتهاوخلقهای شوروی سهیمند . وجود مناسبات تولیدی سوسیالیستی موجبات بسط کامل انقلاب‌علمی وفنی ، و بکار بستن دستاوردهای آن‌وشرایط همبستگی و همکاری روز افزون همهٔ خلقهای کشور را فراهم میسازد. میان رشد اقتصادی کشور وتحکیم وحدت ملتهای‌شوروی وحدت دیالکتیکی وجود دارد . شکوفانی اقتصاد جمهوریها پایهٔ محکمی برای‌دوستی وهمکاری آنهاست ودر عین حال کمك متقابل و دوستی خلقها اهرم نیرومند پیشرفتهای‌اقتصادی وعامل مؤثر کامیابیهای هر جمهوری در ساختمان پایه‌های مادی و فنی جامعهٔ کمونیستی و تأمین بهزیستی مردم است .

دنباله از صفحه ٤

ترور واختناق در ترکیه

حبس بیهانه توهین به ارتش محکوم گردید . این استاد هیچگاه با انقلابیونی که بفعالیت های تروریستی دست زده اند ، ارتباط نداشته است . تألیفی که بخاطر آن محکوم شده کتاب درسی دانشجویان در طول دو سال پیش از ۱۲ مارس ۱۹۷۱ بوده بدون‌آنکه استاد بعنوان تبلیغ کمونیستی مورد پیگرد قرار گیرد . استادان دیگری هم که ازاین اثر بعنوان کتاب درسی در دانشکده استفاده کرده اند نیز مورد اتهام و تعقیب قرار نگرفته اند .

حکومت «ملن» بار دیگر میخواهد بقانون اساسی دستبرد بزند و این مسئله را پنهان نمیکند که قصد دارد دستگاههای اداری و دانشگاهی را از عناصر نا مطلوب تصفیه کند ، همچنین میخواهد در قانون‌مطبوعات برای کنترل مطبوعات و حذف آنچه بنظر آنها «مترقی» میآید ، تجدید نظر نماید .»

مشخص برداشته میشود و « جنگ سرد » وهواداران‌آن‌باشکست‌فاحش‌روبرو گردیده‌اند واندیشهٔ امنیت جمعی اروپا راه خود رابسوی پیروزی کامل‌میگشاید واندیشه امنیت‌جمعی در آسیابیش ازپیش قوت میگیرد ، گرد و خاك نظامیگری و تاراج ثروت یك کشور فقیر برای مسلح شدن عملی است، ازلحاظ سیاسی هم لغو وهم بشدت زیانمند .

حزب‌توده‌ایران بغارت درآمدارزی‌مابوسیله سوداگران مرگ ، به قبول وامهای سنگین جدید برای خرید اسلحه ، شدیداً معترض‌است وهمه مردم‌را برای‌مبارزه با آن دعوت‌میکند. حزب تودهٔ ایران‌اتخاذ مشی صلح وهمزیستی، مشی تأمین امنیت جمعی در آسیا ، مشی استقرار روابط همکاری ودوستی با خلقها را تنها مشی درست میداند وسیاست نظامیگری رژیم رامباین با چنین مشی مردود میشمارد .

ترور و اختناق در ترکیه

فشار بر مردم بیهانه «سوء قصد علیه حکومت» بدون توقف ادامه دارد. هزاران نفر از دانشجویان، آموزگاران، اعضاء سندیکاها، روزنامه نگاران زیر فشار پیگیر قرار دارند. عده ای از آنها مورد شکنجه قرار گرفته اند و بسیاری از کار خود بر کنار شده اند و طبق آخرین آمار رسمی هشتصد نفر محکوم، هزار و نود نفر در حال حاضر توقیف و نود و دو نفر تحت نظر هستند. هزار و سیصد و شانزده نفر در جریان داد رسی و یازده هزار و ششصد پرونده درمرحله باز پرسی میباشند. این ارقام هزاران نفر را که از ۱۲ مارس ۱۹۷۱ ماهها تحت‌مراقبت بوده اند در بر نمیگیرد. حکومت و بلند گویان او ادعا دارند که «دموکراسی نجات یافته است» در حالیکه هفده ماه است رژیم حالت «فوق العاده» اعلام نموده، عده‌ای از انقلابیون را بدار آویخته، عده‌ای به اعدام یا محکوم بحبس هائی شده اند که با اتهام آنها هیچگونه تناسبی ندارد. رهبران حزب کارگر ترکیه، حزبی که با وجود طرفداری از قانون اساسی ممنوع گردیده، به حبسهای بسیار سنگین (از ۱۲ تا ۱۵ سال) محکوم شده اند.

ستین آلتان، الهامی سیال و ایلخان سلجوق بخاطر مقالاتی که مدتی پیش از ۱۲ مارس ۱۹۷۱ نوشته اند زندانی و بدادگاه های نظامی که پس از اعلام وضع «فوق العاده» بوجود آمده اند، کشانده شده اند، با وجود قرار منع تعقیب بار دیگر آنها را بخاطر مقالات دیگری که بزمانهای پیشین مربوط بوده و دادستان نظامی آنها را کشف کرده، بزندان انداخته اند.

فقیر بیقوت فیلمبردار، ایلمز قوتی جامعه شناس، اسماعیل بسیقچی مورد تعقیب قرار گرفته ونفر آخر بحبس بسیار سنگینی محکوم شده، زیرا او چند اثر تحقیقی در باره وضع اجتماعی آناتولی شرقی نوشته است. استاد ممتاز سوسیل ایس از یك صحنه سازی بنام دادرسی بشش سال و هشت ماه زندان و یك سال توقیف بنام پیشگیری محکوم شد. دیوان کشور بخاطر نقض شکل دادرسی استاد را آزاد کرد. دادگاه فوق العاده نظامی شمارهٔ ۳ آنکارا برای رفع این نقص کمیسیونی از کارشناسان را برای رسیدگی بتألیفی که باستناد آن استاد سوسیل محکوم شده بود، تعیین نمود تا به اتهام تبلیغ کمونیستی این استاد رسیدگی کند. این پنج کارشناس که بداشتن نظرات راست معروف هستند، باتفاق نظر دادند که این تألیف حاوی تبلیغات مارکسیست-لنینیستی است. دادگاه نظامی فوراً استاد را بنام پیش گیری توقیف نمود و اکنون زندانی است. همسر این استاد سوگی سوسیل که نویسنده است و در سرویس رادیو - تلویزیون ترکیه کار میکرد، از کار بر کنار و به شش ماه

دنباله در صفحه ۳

دنباله از صفحه ۱

یك قرارداد تاریخی

ماده، در حقیقت، ضربه خلاص بر یك دکترین ارتجاعی است که بنام دکترین هالشتاین معروف است و سالها وسیلهٔ اخلال و تحریك در مناسبات بین المللی بود.

در مادهٔ ٦ قرار داد تصریح میشود که دائره نفوذ حاکمیت ملی هر یك از دو کشور متعاهد به سرزمین دولتی آنها منحصر میشود و هریك از آنها «استقلال و حاکمیت دیگری را در زمینه امور داخلی و خارجی خویش محترم میشمارد.»

در مادهٔ ۸ قرار داد دو دولت آلمان توفق کرده اند که «نمایندگان دائم» میان خود مبادله کنند. مقر این نمایندگیهای دائم مقر دولتهای طرفین خواهد بود.

قرار داد ۸ نوامبر نه تنها یك کامیابی تاریخی برای جمهوری دموکراتیك آلمان، بلکه گامی بزرگ در راه تحقق اصول همزیستی مسالمت آمیز در مناسبات میان کشور های اروپا و اقدامی با اهمیت در جهت تحکیم صلح در مقیاس بین المللی است. مندرجات این قرار داد شاهد شیوائی است که پیشرفت چشمگیر نیرو های صلح و ترقی و عقب‌نشینی نیرو های جنگ و ارتجاع را نشان میدهد.

در جمهوری فدرال آلمان قریب بیست سال دولتهائی که زیر رهبری احزاب دموکراتیك مسیحی و سوسیال مسیحی قرارداشتند با تمام قوا در راه بر انداختن جمهوری دموکراتیك آلمان وبسط قدرت سرمایه‌انحصاری بعرصه ای که در آن قدرت زحمتکشان پیروز شده بود کوشیدند. دولتهای کنراد آدنائر، لودویگ ارهارت و کورت کیزینگر، تمام پیشنهادهای جمهوری دموکراتیك آلمان را برای مذاکره میان دو دولت بمنظور طرح و حل اختلافات رد کرده اند. در این دوره تمام‌نامه‌های رسمی‌دولتی جمهوری دموکراتیك آلمان که به‌بن فرستاده شده بدون آنکه گشوده شود عودت داده شد. ادنائر و جانشین دموکراتیك مسیحی او که خمار افسانه‌های دوران جان فوستر دالس بودند، هیچگاه نخواستند که واقعیت انکار ناپذیر را در نظر گیرند. از اواسط سالهای ٦۰ در محافل اجتماعی جمهوری فدرال بتدریج ورشکستگی سیاست شرق ادنائر و جانشینان او آشکار گردید. در محافل حاکمه این کشور آن جناحی که بصیر تر و واقع بین تر بود در صدد برآمد که حساب خودرا ازحساب احزاب دموکراتیك و سوسیال مسیحی جدا کند و سیاست خارجی جدیدی که مبتنی بر محاسبه واقعیات است در پیش گیرد. از اواسط سالهای شصت آشکار بود که دکترین هالشتاین دیگر قابل دوام نیست. علاوه بر کشور های سوسیالیستی که از مدتها پیش جمهوری دموکراتیك آلمان را برسمیت شناخته بودند، عده ای از کشور های قارهٔ آسیا و افریقا و امریکای لاتین هم این کشور را برسمیت شناختند. نمایندگیهای بازرگانی و کنسولگریهای این کشور در بیش ازصد کشور جهان گشایش یافت. بسط مناسبات جمهوری‌دموکراتیك آلمان با کشور های جهان در حالی انجام گرفت که دولت بن با تمام قوا از سلاح دکترین هالشتاین استفاده میکرد. بزودی کار بآنجا رسید که دکترین هالشتاین بیك دکترین سیاسی برای انفراد جمهوری فدرال تبدیل شد، زیرا بسیاری از دولتها حاضر نبودند تسلیم سیاست ارعاب و تهدید بن شوند. و دولت بن بمحض اینکه این کشورها به استقرار روابط سیاسی با جمهوری دموکراتیك آلمان میپرداختند روابط خود را با آنها قطع میکرد.

درانتخابات ۱۹٦۹ احزاب دموکرات و سوسیال مسیحی در اقلیت ماندند و برای نخستین بار در تاریخ جمهوری فدرال یك دولت ائتلافی مرکب ازاحزاب سوسیال دموکرات و لیبرال دموکرات بر سرکار آمد. دولت جدید برهبری ویلی براندت در صدد برآمد که در سیاست منسوخ و ورشکست دولتهای سلف خود، در قبال کشور های سوسیالیستی و در درجه اول در قبال‌جمهوری دموکراتیك آلمان تجدید نظر کند. در این مورد تذکر این نکته لازم است که درطول این دوران نیز مانند گذشته همه جا ابتکار طرح پیشنهادها، دعوت برای مذاکره، تبادل نظر، حل اختلافات و عقد قراردادها با کشور های سوسیالیستی بوده است. در مورد همین قرار داد مورد بحث باید متذکر شد که برای نخستین بار در آوریل امسال اریش هونکر دبیر اول کمیته مرکزی حزب سوسیالیست متحد آلمان ضمن نطقی در صوفیه آمادگی دولت جمهوری دموکراتیك را برای اجرای مذاکره با دولت فدرال مطرح کرد و بدین وسیله نخستین قدم را در راه اجرای‌مذاکرات برداشت.

نکته دیگری که در این مورد باید متذکر شد موفقیتهائی که است‌سیاست‌خارجی کشورهای سوسیالیستی بعد از کنگرهٔ تاریخی بیست و چهار حزب کمونیست اتحاد شوروی، کنگره هشتم حزب سوسیالیست متحد آلمان و کنگره‌های سایر احزاب برادر کشورهای سوسیالیستی بدست آورده اند. تعرض‌بزرگ و جهانگیر صلح اتحاد شوروی، که ازطرف تمام احزاب کمونیست‌وکارگری جهان‌حمایت شده است، در طول یك سال و نیم اخیر کامیابیهای بزرگ بدست آورده است. قرار داد ۸ نوامبر میان دو دولت آلمان یکی از نتائج این تعرض جهانگیر است. از آثار دیگر این پیکار عظیم برای تحکیم صلح، تخفیف وخامت اوضاع بین المللی و بسط همکاری بین المللی، میتوان از قرار داد همکاری میان اتحاد شوروی و فرانسه، قرار دادهای میان اتحاد شوروی و جمهوری‌فدرال، لهستان و جمهوری فدرال، قرار داد میان جمهوری دموکراتیك آلمان و سنای برلین غربی و قرار داد میان اتحاد شوروی وایالات متحدهٔ امریکا در باره سلاحهای استراتژیك و چند قرار داد دیگر نام برد.

تمام این قرار دادها حاکی از آنند که در بسیاری از کشور های جهان، حتی در متروپولهای امپریالیستی، بر اثر تغییر مداوم تناسب قوا بنفع نیرو های صلح وترقی و سوسیالیسم، بتدریج بی‌اعتباری و ورشکست بسیاری از نظریات سیاسی یادگار دوران جنگ سرد آشکار میشود و محافل سیاسی رئالیست این کشور ها درصدد بر میآیند که در سیاست عمومی خویش تجدید نظر کنند.

قرار داد میان دو دولت آلمان درحالی یاراف شد که جمهوری فدرال در آستانهٔ انتخابات عمومی قرار داشت. احزاب‌دموکرات و سوسیال مسیحی، به رهبری راینر بارتسل و اشتراوس با تمام قوا کوشیدند که مجدداً سکان قدرت دولتی را در بن بدست گیرند. با توجه باینکه قرار داد ۸ نوامبر بعد از تصویب در مجلس مقننهٔ دو کشور بامضاء خواهد رسید از هم اکنون میتوان درانتظار بود که ارتجاع افراطی آلمان یکی دیگر با تمام قوا علیه این قرار داد فعالیت خواهد کرد. ولی بویژه در نتیجه انتخابات ۱۹ نوامبر که به پیروزی روشن حزب سوسیال دموکرات وحزب لیبرال منجر شد میتوان‌اطمینان کامل‌داشت که محتوی‌اساسی قرارداد‌تاریخی ۸ نوامبر میان دو کشور آلمان تغییرناپذیراست.

❀ ❀ ❀

مدتهاست که حزب توده ایران از دولت طلب میکند که با جمهوری دموکراتیك آلمان روابط سیاسی برقرار کند. ولی دولت هر بار بدلائل ناموجهی از این امر سر باز زده است. بعد از انعقاد قرار داد میان دو دولت هیچ «عذری» برای تأخیر درشناسائی جمهوری دموکراتیك آلمان واستقرار روابط سیاسی با آن وجود ندارد. جمهوری دموکراتیك آلمان یکی از ده دولت بزرگ صنعتی جهان است. استقرار روابط سیاسی و اقتصادی با این کشور متضمن منافع‌بزرگی برای کشور ماست. این کشور، با سوابق ممتدی که در اجرای برنامه های عمرانی و اقتصادی در کشور های آسیائی و افریقائی دارد میتواند در اجرای پنجمین برنامهٔ پنج ساله عمرانی کشور نقش بسیار مهمی بازی کند. جمهوری دموکراتیك آلمان نه تنها بمواد خام کشاورزی و صنعتی، بلکه به بسیاری از فرآورده های صنایع جوان‌ما‌احتیاج دارد. کشور ما متقابلا میتواند از امکانات وسیع صنعتی این کشور، برای پیش بردن برنامه های عمرانی خویش استفاده کند. دراستقرار روابط سیاسی با جمهوری دموکراتیك آلمان سالها تأخیر شده است. اکنون وقت آنست که سیاست تأخیر هر چه زود تر پایان پذیرد و تعلل گذشته جبران شود.

رامین

اطلاع

محمد زمان پهلوان بمناسبت اتخاذ روش تسلیم‌طلبانه و نقض و نفی مشی وسیاست حزب از حزب تودهٔ ایران اخراج میگردد.

دبیرخانه کمیتهٔ مرکزی
حزب تودهٔ ایران

منتشر شد:

۱) چاپ مجدد «اصول مارکسیسم» تألیف آفاناسیف،

۲) «چریکهای خلق چه میگویند» از سلسله انتشارات ارانی.